

تار مخصوص خود نواخت. در همان مجلس نخستین عبدالرحمن دانست که گوهر گرا نمایه بچنگ او در آمده، از آنروز زریاب را بر همه همزمان و درباریان پیشدستی و پیشقدمی داده در حضر و سفر همراه خود میداشت. شغف ما لا نهایت بموسیقی و آواز او داشت.

مبلغ معتنائی جهت زریاب و جداگانه برای فرزندانش مقرر نمود.

نیز از برای مدد خرجی خوان وی ماهانه سه هزار دینار [که با نرخ پول امروزه معادل سه هزار تومانست] معین کرد. بعلاوه چندین باغ و گلستان عالی در قرطبه محض تفریح خواطرش بخشید. بقیه دارد.

ترقی معارف، آخرین راه نجات است. معارف عثمانی صد سال از ما جلوتر است. رساله «معارف در عثمانی» یکدرس عبرت برای ما میدهد از خواندن آن غفلت نکند.

پرتال جامع علوم انسانی

## معارف ایران

### ۱- علم و طریقه تحصیل آن

بدون شك ایران بیش از هر چیز محتاج به علم و صنعت میباشد و لزوم این مسئله باندازه‌ای مبرهن است که محتاج به هیچگونه توضیح نیست چیزیکه قابل بحث و تدقیق است همانا طریقه تحصیل آن است.

از ابتدای پادشاهی ناصرالدین شاه تا امروز هر سال عده‌ای ایرانی برای تحصیل به اروپا رفته و پس از چند صباحی توقف تحصیل کرده یا نکرده بر گشته و با استثناء معدودی همه بجای بال، وبال ایران شده اند. سبب عمده این عدم کامیابی این است که طبقه متوسطه که منشأ ترقیات يك قوم تواند شد در ایران بدبختانه خیلی کم و غیر قابل است و در حقیقت در ایران دو طبقه بیشتر نیست یکی رنجبر و دیگری اشراف. اما رنجبر بچاره که نه درست فایده علم را دانسته و نه استطاعت تحصیل آنرا دارد. اشراف زادگان هم که بحکم عادت منحوس امروزی عیش و نوش را بر تحصیل علم و هنر مقدم میدارند. پس نتیجه همین است که می بینیم. اگر چه در هیچ دوره‌ای شمارهٔ محصلین ایرانی در خارجه بقدر امروز نبوده و خوشبختانه يك قسمت از آنها از طبقه متوسطه اند و بعضی از آنها از زلال محبت وطن آشامیده مرد وار میکوشند که خود را برای فداکاری و خدمت به آب و خاک خود حاضر سازند ولی باز نظر بر اینکه عده اینگونه اشخاص کم و محدود است نمیتوان امیدوار شد که در آینده نزدیک بتوانیم کاشانه خود را از علم و معرفت روشن سازیم، خصوصاً که این آقایان تحصیل کرده که بایران بر میگرددند، هیچیک حاضر برای تدریس و تعلیم و فیض رسانیدن به برادران خود نیستند و بنابراین باید همیشه جماعتی برای تحصیل به اروپا بروند و هیچوقت هم موفق به تعمیم معارف نشویم.

بعقیده من اگر ایران يك عده پروفیسورهای لایق از اروپا استخدام کند و در طهران يك دارالفنون صحیح و کاملی تأسیس نماید مخارج آن خیلی زیادتر از محصلینی که در اروپا هستند نخواهد شد چرا که اگر عدد محصلین ایرانی که در اروپا

هستند امروز دویست نفر فرض کنیم و مخارج متوسط هر يك را ماهی بیست لیره انگلیسی تصور نمایم سر جمع آن چهار هزار لیره خواهد شد. معلوم نیست ماهانه استادان اروپائی و مخارج اداری دارالفنون چندان زیادتر ازین مبلغ بشود در حالیکه حالا فقط دویست نفر میتوانند تحصیل کنند و در آنصورت هزارها اشخاص استفاده نوانند کرد و خاص و عام بالسویه دسترس بعلم خواهند داشت.

من نمیگویم که محصل به اروپا نرود زیرا از برای تحصیل بعضی فنون مخصوص تا دیر زمانی ما مجبور برفتن بخارجه هستیم ولی در تعلیم علومى که شاید بتوان در داخله مملکت رسائل تعمیم و تعلیم آنها فراهم کرد، چرا کوتاهی نمائیم. هفتاد سال یا علاوه است که ایرانی باسم تحصیل به اروپا رفته ولی سر تا سر ایران را که وارسیم در يك ملت دوازده ملیونی شاید هنوز سی دکتر که دارای تصدیقنامه باشد یافت نشود. آیا با این ترتیب کی بمقصد خواهیم رسید.

يك نکته دیگر که قابل غور معلوم میشود، این است: محصلین ایرانی که بخارجه میروند از دو قسم بیرون نیستند یا خیلی کوچک هستند و هنوز بحد رشد نرسیده و یا اینکه بالعکس. اما آن قسم اول که نظر به صغر سن استعداد تحصیل زیادتر در او موجود است ولی پس از اندک زمانی قومیت خود را از دست میدهد و حتی پدر و مادر و کسان خود را فراموش میکند و یکپارچه فرنگی میشود و بوطن خود نه تنها بدیده تحقیر نگریسته بلکه از آن نفرت میکند. و اما قسم دوم یعنی آنهائیکه بحد رشد رسیده اند غالب این است که آزادی اروپا مجال تحصیل بآنها نمیدهد و اوقات خود را بعشرت میگذرانند و بالاخره

کمترین مفاسدش این است که گرفتار مسئله ازدواج با دختران اروپائی میشویم.

ما اگر يك دارالفنون کاملی که از همه جهة مطابق با دار الفنون‌های اروپا باشد دارا باشیم پسران و دختران ما بالسویه در يك مدرسه تربیت میشوند و دیگر کسی هوس ازدواج با دختران اروپائی را نخواهد کرد.

از خواتدگان محترم تمنا دارم که نظریات خود را در اطراف این موضوع در مجله ایران‌شهر درج فرمایند.

کلکته — حسن شیرازی

## ۲- يك همت مردانه در معارف‌پروری

در موقعیکه اغلب بزرگان و توانگران ایران، مشغول عیش و نوش و خوشگذرانی و لهو و لعب بودند و اندوخته‌های اجدادی و اموال موروثه و ثروت غارت کرده خود را در راه تسکین شهوت و در مجالس قمار و شرب صرف میکردند و اندوختن مال را برای برانگیختن فتنه و فساد می‌پنداشتند و هر زمان بدان دارائی علم سرکشی و طغیان را می‌افراشتند و در موقعی که زمامداران سیاسی و رؤسای روحانی کشور ویران شده داریوش و نوشیروان را بی صاحب می‌یافتند و خود را بی‌گبارگی بنده حرص و شهوت نمود و افکار خویشان را بجمع کردن مال و جاه از راه حرام و به خریدن دهات و بنا کردن قصرها و گرسنه گذاشتن دهقانها و بینواها و به انبار کردن غله و بفریب دادن مردم ساده و عوام مشغول میداشتند، یکی از اولاد نجیب ایران با يك حس پاك و نیت خالص، قسمتی از مال خود را وقف تربیت فرزندان بی پدر

و مادر شهر مراغه میکند. این شخص، مرحوم حاج فتوح‌الملک است که بر حسب وصیت او فرزند ارجمندش آقای حاجی فرید‌الملک، مدرسه شبانه روزی فتوحیه را در مراغه تأسیس و خدمتی بزرگ به‌عالم معارف ایران بجا آورده است.

ما بنام ملت ایران ازین مرد با حمیت و خیر خواه تشکر میکنیم و هموطنان خود را پیروی ازین مرد نیکسیرت دعوت می‌نمائیم. ما هنوز در شهرهای دیگر ایران این قبیل تأسیسات را سراغ نداریم و هر وقت بوجود آنها آگاه شدیم لازمه معرفی و حقشناسی را خواهیم کرد.

تفصیل تأسیس و چگونگی این مدرسه بقرار یک‌ه جناب آقای آقا میرزا مهدی موسوی مدیر مدرسه نوشته‌اند بشرح ذیل است:

۱- مؤسس مدرسه آقای حاجی فرید‌الملک است که پدرش حاجی فتوح‌الملک در ضمن وصایا ادامه مدرسه مزبوره را ما دام صاحب قدرت بودن وراثت با اولاد خود وصیت فرموده‌اند که نسل بعد نسل مخارج مدرسه را کفالت نموده و در سر هر شش سال که تحصیلات ابتدائی اطفال تمام شد آنها را مرخص و یا بکاری مشغول داشته‌دوره دیگری جمع آوری نموده از القبا شروع به تدریس نمایند و بعلاوه آقای میرزا محمد علیخان ضیاء‌الحکماء خوئی که شخص عالم و وطن‌دوست می‌باشند برای تشویق مؤسس و سایرین دین امر خیر و محض خدمت بوطن و هموطنان خود معالجه و حفظ‌الصحة مدرسه مزبوره را تا آخر عمر بدون اخذ وجه افتخاراً عهده دار شده‌اند.

۲- اول تأسیس مدرسه در غره شهر رمضان ۱۳۴۱ هجری می‌باشد و مطابق است با ۲۸ حمل ۱۳۰۲.

۳— عده شاگردان و محصلین آنجا ۲۰ نفر از اطفال بی پدر و مادر میباشند (در موقع بر داشتن عکس دو نفر آنها ناخوش بودند).

۴— لباس در هر سالی سه دست تهیه میشود: بهاری، تابستانی و زمستانی و در هر هفته یک دفعه استحمام مینمایند.

۵— بعد از چهار سال تحصیل روزی چند ساعت مشغول صنایع دستی از قبیل پارچه بافی و کفشدوزی و لخیاطی خواهند بود.

۶— یکنفر معلم برای تدریس محصلین، یکنفر خادم برای نظافت اطاقهای خوابگاه مدرسه و دو نفر خادمه زنانه برای شستن البسه و حاضر کردن طبخ آنها استخدام شده است.

۷— برای هر یک از شاگردان نیم تخت و رختخواب مخصوص که هر چهار نفر در یک اطاق بزرگ می خوابند تهیه شده است.

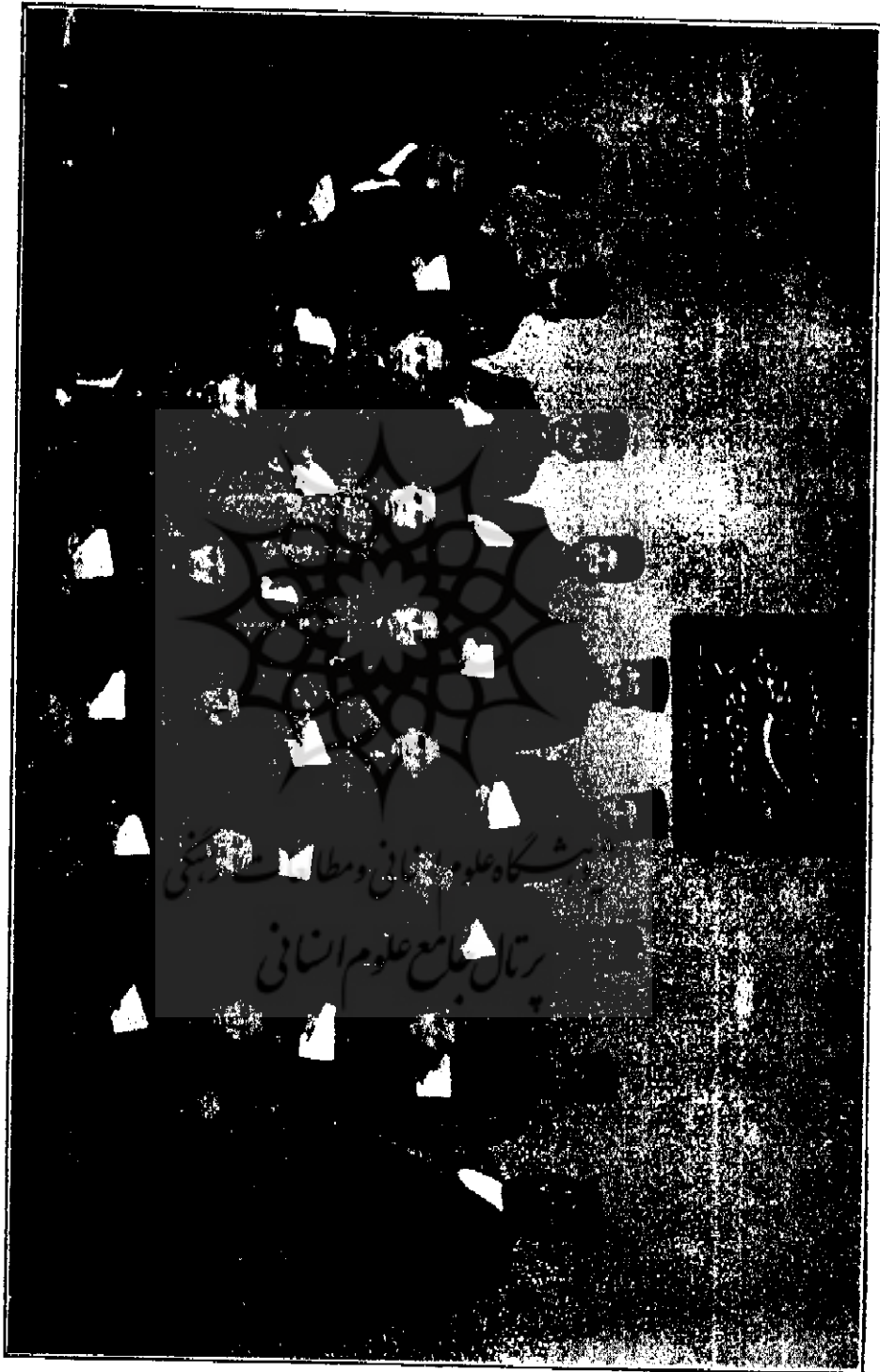
یقین است که نژاد جدید ایران، ازین خدمت معارفپرورانه قدر دانی خواهد کرد و نام و محبت مؤسس آن را در کنجینه دل خویش یادگار نگاه خواهد داشت.

بدان که مردم نیکو چو گوهرند و گهر

بجز خزینه نگیرد مکان بجای دگر

ح. ک. ایران شهر

خدمت خاندان صفوی بترقی و آبادی و استقلالی و عظمت ایران بسیار بزرگست. رساله «سلسله النسب صفویه» اصل و نسب و مراتب روحانی و خدمات این خاندان بزرگ را حکایت میکند.



- ۱- آقای حاجی فرید الملک رئیس معارف مراغه و مؤسس مدرسه فتوحیه .
- ۲- آقای ضیاء الحکماء .
- ۳- آقای میرزا علی محمد معلم .
- ۴- مشهدی احمد خادم .